



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امامان اهل بیت علیهم السلام
در گفتار اهل سنت

داود الهامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت

نویسنده:

داود الهامی

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت
۶ مشخصات کتاب
۶ فضائل امام حسن عسکری
۶ محمد بن طلحه الشافعی
۶ سبط ابن الجوزی
۷ ابن الصباغ المالکی المکی
۷ فضل الله بن روزبهان خنجی
۸ احمد بن حجر الهیثمی المکی
۸ حافظ حسین کربلائی تبریزی
۹ شیخ مؤمن شبلنجی
۱۱ یوسف بن اسماعیل النبهانی
۱۱ پاورقی
۱۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت

مشخصات کتاب

نوع: کتاب

پدید آور: الهامی، داود ۱۳۱۶-

عنوان و شرح مسئولیت: امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت: [برگزیده] [منبع الکترونیکی] / داود الهامی

ناشر: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۲۶ بایگانی: ۷۶.۹KB)

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: ائمه اثنا عشر

فضائل

احادیث اهل سنت

فضائل امام حسن عسکری

محمد بن طلحة الشافعی

(م ۶۵۴ هـ) صاحب کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» درباره‌ی امام حسن عسکری علیه السلام نوشته: «أبو محمد الحسن علی الخالص... و أما مناقبه فأعلم أن المنقبه العلیاء و المزیة الكبرى التي خصه الله عزوجل بها و قلده فریدها و منحه تقلیدها و جعلها صفة دائمة لا یبلی الدهر حدیدها و لا تنسی الا لسنة تلاوتها و تردیدها ان المهدی محمد انسله المخلوق منه و ولده المنتسب الیه بضعته المنفصلة عنه» [۱]. «أبو محمد بن علی هادی. اما مناقب و فضائلش بدان که خداوند مایه‌ی فخر و مباهات بلند و وسیله‌ی بزرگ برتری را به او اختصاص داده است و او را به تمام زیباییها آراسته و تمام اوصاف پسندیده را به او ارزانی داشته است و این مناقب و فضائل را صف دائمی او قرار داده به طوری که روزگار حدود آن را کهنه نمی‌کند و زبانها تلاوت آن را از یاد نمی‌برد. به خصوص این که محمد مهدی از نسل او؛ و از او خلق شده، فرزندی که به او منتسب و پاره‌ی تن اوست».

سبط ابن الجوزی

(۶۵۴ - ۵۸۱ هـ) صاحب کتاب «تذکره الخواص» گوید: «فصل فی ذکر العسکری: هو الحسن بن علی بن محمد... و کان عالما ثقة [صفحه ۴۶۶] روی الحدیث عن ابيه عن جده و من جمله مسانیده حدیث فی الخمر. ذکره جدی ابوالفرج فی کتابه المسمى (بتحریم الخمر) و نقلته من خطه و سمعته يقول». «حسن بن علی بن محمد علیه السلام... عالم موثق و از پدرش و جدش روایت کرده است از جمله مسانیدش حدیثی است که درباره‌ی شراب نقل نموده است. «ابن جوزی» می‌گوید: این روایت را جدم «ابوالفرج» در کتاب خود موسوم به (تحریم الخمر) ذکر کرده و من از خط او نقل کرده‌ام از او شنیدم که روایت را با ذکر سند به امام حسن عسکری رسانده و می‌گوید: «أشهد بالله لقد سمعت الحسن بن علی العسکری يقول أشهد بالله لقد سمعت أبي علی بن محمد يقول أشهد بالله لقد سمعت أبي محمد بن علی بن موسی الرضا يقول: أشهد بالله لقد سمعت ابي علی بن موسی يقول: أشهد بالله لقد سمعت أبي موسی يقول: لقد سمعت جبرئیل يقول: أشهد بالله لقد سمعت ميكائيل يقول: أشهد بالله لقد سمعت اسرافيل يقول: أشهد بالله

على اللوح المحفوظ انه قال سمعت الله يقول: شارب الخمر كعابد الوثن». «سبط ابن جوزی» می گوید: «و لما روی جدی هذا الحديث فى كتاب تحريم الخمر قال قال ابونعیم الفضل بن دكين هذا حديث صحيح ثابت روته العترة الطيبة الطاهرة و رواه جماعة عن رسول الله صلى الله عليه و آله منهم ابن عباس» [۲]. «پس از آن که جدم این حدیث را در کتاب «تحريم الخمر» روایت کرده گفته است: ابونعیم فضل بن دكين، گفت: این حدیث صحیح و ثابت و از طریق عترت پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جمعی از صحابه روایت شده است که ابن عباس یکی از آنهاست». [صفحه ۴۶۷]

ابن الصباغ المالکی المکی

(۸۵۵ - ۷۸۴ هـ) صاحب کتاب «الفصول المهمة» نوشته است: «أبومحمد الحسن الخالص بن علی العسكري... الإمام القائم بعد أبي الحسن علی بن محمد ابنه أبومحمد الحسن لاجتماع خلل الفضل فيه و تقدمه علی كافة أهل عصره فيما یوجب له الإمامة و یقضى له بالمرتبة من العلم و الورع و النزاهة و کمال العقل و كثرة الأعمال المقربة الى الله تعالى ثم لنص أبيه عليه و اشارته الخلافة اليه» [۳]. «أبومحمد حسن بن علی عسكري امام پس از ابوالحسن علی الهادی فرزندش أبومحمد حسن به علی علیه السلام بود برای این که اوصاف و خصال برتری و فضیلت در او گرد آمده بود و در آنچه لازمه‌ی منصب امامت و مقتضی زمامداری است از علم و زهد کمال عقل و خرد و عصمت و شجاعت، کرم و بزرگواری و بسیاری از اعمالی که انسان را به خدا نزدیک می کند، بر همه پیشی گرفته بود و نیز طبق نص صریح پدر بزرگوارش درباره‌ی امامت او و شاراتی که آن حضرت درباره‌ی خلافت و جانشینی او فرموده بود». و عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن أبيه عن عيسى بن الفتح قال: «لما دخل علينا أبومحمد الحسن السجني قال لي يا عيسى لك من العمر خمس و ستون سنة و شهر و يومان. قال: و كان معي كتاب فيه تاريخ ولادتي فنظرت فيه فكان كما قال، ثم قال لي هل أرزقت ولدا فقلت لا قال اللهم أرزقه ولدا يكون له عضدا فنعم العضد الولد ثم أنشد». من كان ذا عضد يدرک ظلامته ان الدليل الذي ليست له عضد «فقلت له يا سيدى و أنت لك ولد؟ فقال: و الله سيكون لي ولد يملأ الأرض قسطا و عدلا و أما الآن فلا ثم أنشد متمثلا: لعلك يوما أن ترانى كأنما بنى حوالى الأسود اللواید [صفحه ۴۶۸] فان تميما قبل أن يلد الحصى أقام زمانا و هو فى الناس واحد [۴]. «علی بن ابراهیم بن هاشم» از پدرش و او از «عيسى بن الفتح» روایت کرده که گفت: زمانی که ما در زندان بودیم، امام حسن عسكري علیه السلام را نیز به زندان آوردند من او را می شناختم به من فرمود: تو الان ۶۵ سال و یک ماه و دو روز عمر کرده‌ای؟ تصادفا همراه من کتاب دعائی بود که تاریخ تولد من در آن نوشته شده بود به آن مراجعه کردم دیدم چنان بود که حضرت فرمود. سپس فرمود: فرزندی روزی تو شده؟ گفتم: نه، فرمود: خدایا به او فرزندی روزی کن که عضد و بازوی او باشد چه این که فرزند خوب بازویی است. سپس به این شعر متمثل شد: هر کس صاحب فرزند باشد داد خود را می گیرد، دلیل کسی است که بازو ندارد». راوی می گوید: من گفتم: تو فرزند داری؟ فرمود: آری به خدا قسم به این زودی خداوند پسری بر من کرامت فرماید که زمین را از عدل و داد پر کند، ولی اکنون فرزند ندارم سپس به این دو بیت که در بالا ذکر شد، متمثل گردید.

فضل الله بن روزبهان خنجی

(م ۹۲۷) در شرح صلوات بر حضرت امام حسن عسكري علیه السلام می گوید: «اللهم صل و سلم علی الإمام الحادی عشر، المقتدی الرضى المجتبی الوفی المقتفی فی العبادة آثار النبی و الولی و المسخر لعسكر الملائكة بالعزم القوى النور الجلی، البدر الوضی ذی القدر العلی و المجد البهی و العز السنی وارث الإمامة من الوصى والد الحجة الصفی و ولد النبی الزکی أبی محمد الحسن العسكري ابن علی النقی المتوفی فی شبابه بالبلاء المدفون عند أبيه بسر من رأى». «بار خدایا درود و صلوات فرست بر امام یازدهم، مقتدای مرضی الخصال و برگزیده‌ی صاحب وفا، پیروی کننده در عبادت به آثار حضرت نبی صلی الله علیه و آله و حضرت ولی (علی

مرتضی) تسخیر [صفحه ۴۶۹] کننده‌ی لشکر ملائکه با عزم قوی. و این اشاره است بدانچه روایت کرده‌اند که نوبتی به متوکل رسانیدند که حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام قصد دارد جهت خلافت خروج کند و مردم کوفه و عراق و خراسان با او موافقند، متوکل برای این که قدرت خود را به امام نشان دهد، دستور داد تمامی لشگر از شهر سر من رأی بیرون آیند و فرمود که هر کس از لشگر او توبره اسب خود را از خارک پر کند و تمامی در یک محل بریزند لشگری عظیم هر یک توبره خود را از خاک پر کردند و در یک محل ریختند و تلی عظیم در غایت بلندی در آنجا پدید آمد که آن را «تلی المخال» نام کردند یعنی تلی توبره‌ها. بعد از آن متوکل، امام حسن عسکری علیه‌السلام را طلب نمود و با آن حضرت بالای تل رفت و به لشگر امر کرد همه لباس رزم بپوشند و آرایش تمام کنند و با لباسهای تازی در غایت آراستگی سوار شوند و خود را عرض کنند، غرض او آن بود که لشگر خود را به امام نشان دهد چون لشگرها را به امام نشان داد، گفت: این لشگرهای من است و هر کس با مخالفت می‌کند گو طاعت مقاومت این لشگر پیش آور! امام فرمود: تو لشگر خود را نشان دادی، اکنون نگاه کن و لشگر مرا تماشا کن، چون متوکل نگاه کرد میان آسمان و زمین را از سواران ملک که تمامی بر اسبان «ابلق» سوار بودند، مملو یافت از اسبها را آراسته و با سلاح تمام، صفها را راست کرده، متوکل از دیدن این منظره، بیفتاد و بی‌هوش شد، چون به هوش آمد گفت: اینها چه کسانیند؟ فرمود: اینها لشگر منند، اما ما طلب ملک و خلافت نداریم و به عبادت مشغولیم، تو خاطر جمع باش». او نور روشن و ظاهر است و دارای قدر و مرتبت بلند و بزرگی و عزت در غایت بها و جلال است و آن حضرت صاحب میراث امامت از وصی است. و او پدر حجت برگزیده و فرزند پیغمبر پاکیزه است و کنیت او حضرت «ابومحمد» و لقبش عسکری است و وفات کننده در [صفحه ۴۷۰] جوانی به بلا و زحمت و مدفون در نزد پدر خود در شهر سر من رأی». و صلی الله علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الإمام الصفی الحسن العسکری و سلم تسلیما [۵].

احمد بن حجر الهیثمی المکی

(م ۹۷۴ ه) صاحب کتاب «الصواعق المحرقة» می‌گوید: «ابومحمد الحسن الخالص... و وقع لبهلول معه أنه رآه و هو صبی بیکی و الصبیان یلعبون فظن أنه یتحسر علی ما فی أیدیهم فقال اشتری لک ما تلعب به؟ فقال: یا قلیل العقل ما للعب خلقنا فقال له فلما ذا خلقنا قال للعلم و العبادة...» «ابومحمد حسن خالص... بین او و بهلول جریانی بدین ترتیب اتفاق افتاد که بهلول در حالی که امام هنوز کودک خردسالی بود او را دید که بچه‌ها بازی می‌کردند و او گریه می‌کرد. بهلول خیال کرد او حسرت اسباب بازیهای او را که کودکان دیگر دارند، می‌خورد. گفت: برای تو هم از همان اسباب بازی که آنها دارند، می‌خرم. ابومحمد حسن علیه‌السلام فرمود: ای کم عقل! ما برای بازی کردن آفریده نشده‌ایم. بهلول گفت: پس برای چه آفریده شده‌ایم؟ فرمود: برای علم و عبادت. بهلول گفت: این مطلب را تو از کجا می‌گوئی؟ فرمود: از قول خداوند متعال: (أفحسبتم أنما خلقناکم عبثاً و انکم إلینا لا ترجعون) سپس خواست او را موعظه کند او هم با چند بیت وی را موعظه کرد و اینجا بود که امام حسن عسکری غش کرد و مدهوش به زمین افتاد چون به هوش آمد، بهلول خواست به او دلداری بدهد، گفت: ای آیات دربارهی تو نازل نشده تو هنوز کودکی و گناهی از تو سر نرده است. امام روی برگرداند و فرمود: ای بهلول چه می‌گوئی؟ من مادرم را دیدم هر موقع می‌خواهد هیزمهای بزرگ را بسوزاند از هیزمهای ریز و کوچک استفاده می‌کند و من از این می‌ترسم که آتش گیره جهنم باشم!» [۶]. [صفحه ۴۷۱]

حافظ حسین کربلائی تبریزی

(م ۹۹۴ ه) درباره‌ی امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌نویسد: «ذکر الإمام الهمام، السید العالم العامل، و السند الفاضل الکامل، علم الهدی، طود النهی، کاشف البلوی و المحن، ابن علی بن محمد بن علی بن موسی، ابي محمد الحسن الزکی العسکری صلوات علیهم

اجمعین». «وی امام یازدهم از ائمه‌ی اثنی عشر است، کنیت وی ابومحمد است و لقبش هادی و زکی و سراج و عسکری...». وی را کرامات عجیب و خرق عادات عظیم بوده از آن جمله روایت کرده‌اند که: وی هنوز خردسال بود که در چاه آب افتاد و پدرش حضرت امام علی النقی علیه‌السلام در نماز بود، زنان فریاد بر آوردند، چون حضرت سلام نماز باز داد فرمود که: باکی و باسی بر او نیست، دیدند که آب چاه بالا آمده و وی بر روی آن نشسته و هیچ آسیبی به وی نرسیده است به اذن الله... و همچنین «اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس» روایت کرده: وقتی بر سر راه حضرت امام حسن عسکری نشستم چون وی نزدیک شد به آن حضرت از فقر خود شکایت کرده و سوگند خوردم که مرا حتی یک دینار و یک درم نیست و به عسرت و تنگی می‌گذارنم. آن حضرت فرمود که: سوگند می‌خوری به دروغ و حال آن که تو دویست دینار در زیر خاک کرده‌ای و این را بدان جهت که به تو چیزی ندهم نمی‌گویم. بعد از آن به غلام خود فرمود که: ای غلام آنچه با تو است به وی بده. غلام صد دینار به من داد. پس رو به سوی من کرد و گفت: تو دینارهایی را که زیر خاک کرده‌ای وقتی که به آن محتاج باشی. از آن بهره‌ای نخواهی گرفت به هر حال آنچه به من بخشیده بود نفقه کردم و مضطر شدم و به چیزی بعد از آن نفقه‌ی خود و عیالان کنم، بر سر آن دفینه آمدم اثری از آن نیافتم گویا پسر من آنجا را دانسته بود و بیرون آورده، همچنان که حضرت فرموده بود تمتعی از آن نیافتم. [صفحه ۴۷۲] «حافظ حسین کربلائی» سپس می‌افزاید: اگر به ذکر کرامات و خارق عادات حضرات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام مشغول گردیم، هر آینه کتب مطول باید نوشت و ایشان خود از علو مرتبت و سمو منزلت مستغنی از اینها نیستند، چه هر یک از ادنی مریدان و معتقدان و متشبثان این خاندان را کرامات بزرگ دست داده، و آن همه به واسطه‌ی متابعت و مبیعت ایشان بوده پس ختم احوال خجسته مآل حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام را به ذکر کلمات طیبه چند که حضرت شیخ «علاء الدوله‌ی سمنانی» قدس سره از خط شریف آن حضرت نقل فرموده کردیم و آن این است: «اللهم وفق و أعن. قد صعدا ذری الحقایق بأقدام الفتوة و الولاية و قددنا سبع طرائق بأعلام النبوة و الهدایة، فنحن لیوث الوغی و غیوث الندی و فینا السیف و القلم فی العاجل، و لواء الحمد فی الآجل و اسباطنا خلفاء الدین و حلفاء الیقین و مصابیح الأسم و مفاتیح الکریم فالکلیم البس حلۀ الأصفاء لما عهدنا منه الوفاء و روح القدس فی جنان الصاقورة ذائق من حدائقنا الباکورة و شیعتنا الفئه الناجیه و الفرقة الزاکیه صاروا لنا ردد و صونا و علی الظلمة الباعونا و سیحضر لهم ینابیع الحیوان بعد لظی النیران لتمام آلم و طه و طواسین و هذا الكتاب ذرة من جبل الرحمة و قطرة من بحر الحکمة، کتبه حسن بن علی العسکری سنه أربع و خمسين و مأتین». «چون سعادت مساعدت نماید که به شرف زیارت حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما‌السلام در سر من رأی که در زیر یک قبه مدفونند، مشرف شود این زیارت نامه را بخواند:» [۷].

شیخ مؤمن شبلنجی

(۱۳۲۲ هـ) مؤلف کتاب «نور الأبصار» می‌نویسد: فی ذکر مناقب الحسن الخالص بن علی الهادی بن محمد الجواد. [صفحه ۴۷۳] «مناقبه رضی الله عنه کثیره ففی درر الأصداف وقع للبهلول معه انه رآه و هو صبی یبکی و الصبیان یلعبون فظن أنه یتحسر علی ما بأیدیهم فقال له: اشتری لک ما تلعب به؟ فقال: یا قلیل العقل ما للعب خلقنا فقال له فلما ذا خلقنا؟ قال: للعلم و العبادة فقال له من أين لک ذلك؟ فقال: من قوله تعالی (أفحسبتم أنما خلقناکم عبثا و انکم إلینا لا ترجعون) ثم سأله أن یعظه فوعظه بأبیات ثم خرا الحسن رضی الله عنه مغشیا علیه فلما أفاق قال له ما نزل بک و أنت صغیر و لا ذنب لک؟ فقال الیک عنی یا بهلول انی رأیت والدتی تو قد النار بالحطب الکبار فلا تتقد الا بالصغار و انی أخشی أن أکون من صغار حطب جهنم» [۸]. در ذکر مناقب حسن بن علی الهادی علیه‌السلام... «مناقب آن حضرت زیاد است در «درر الأصداف» آمده که روزی بهلول او را در دوران کودکی دید که کودکان بازی می‌کردند و او به جای بازی گریه می‌نمود، بهلول خیال کرد او چون اسباب بازی ندارد، به خاطر آن گریه می‌کند و او گفت: گریه مکن برای تو هم اسباب بازی می‌خرم؟ آن حضرت که کودک خردسالی بود، به او فرمود: ای کم عقل! ما برای بازی خلق

نشده‌ایم. بهلول گفت: پس برای چه خلق شده‌ایم؟ فرمود: برای علم و عبادت. گفت: از کجا می‌گوئی؟ فرمود: از قول خدای تعالی که فرموده: «آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟» (سوره‌ی مؤمنون، ۱۱۵). بهلول از او خواست وی را موعظه کند با چند بیت او را موعظه کرد، سپس حسن رضی الله عنه غش کرد و مدهوش به زمین افتاد و چون به هوش آمد بهلول به او گفت: این آیه درباره‌ی تو نازل نشده تو هنوز کودکی و گناه نداری؟ فرمود: ای بهلول چه می‌گوئی؟ من مادرم را دیدم که هیزمهای بزرگ را می‌سوزاند و برای سوزاندن آنها از هیزمهای کوچک و ریز استفاده می‌نماید، من از آن می‌ترسم که از هیزمهای کوچک جهنم باشم». «شبلنجی» در کتاب خود برای امام حسن عسکری علیه‌السلام چهار کرامت ذکر کرده است: الاولی هی جامعه‌ الکرّامات حدث «أبوهاشم داود بن قاسم الجعفری قال كنت [صفحه ۴۷۴] فی الحبس الذی فیهِ الجوسق أنا و الحسن بن محمد و محمد بن ابراهیم العمری و...». «اول: او جامع کرامات است «ابوهاشم داود بن قاسم جعفری» گفت: ما پنج یا شش نفر در زندان قلعه بودیم که «ابومحمد حسن بن علی عسکری» و برادرش «جعفر» نیز وارد شدند رئیس زندان «صالح بن یوسف حاجب» بود با ما در زندان مرد غیر عربی هم بود. «ابومحمد» وقتی که ما را دید، مخفیانه به ما گفت: اگر این مرد در اینجا نبود، به شما خبر می‌دادم که فرج شما کی خواهد بود این مرد درباره‌ی شما نامه‌ای به خلیفه نوشته که تمام گفته‌های شما را در آن گزارش داده و آن را در میان لباس خود پنهان کرده است و دنبال وسیله‌ای می‌گردد تا آن را به دست خلیفه برساند از شر او بترسید». «ابوهاشم» گفت: ما چند نفر او را گرفتیم و لباسهایش را تفتیش کردیم و آن نامه را پیدا نمودیم و دیدیم در آن نامه از ما بدگوئی کرده است و آن نامه را از بین بردیم و دیگر پیش او صحبت نکردیم. حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام در زندان روزه می‌گرفت و چون افطار می‌کرد ما هم از غذای او می‌خوردیم... «ابوهاشم» گفت: آن دفعه حضرت اُبی‌محمد در زندان زیاد معطل نشد زیرا که در «سر من رأی» مردم دچار قحطی شدند، معتمد، خلیفه دستور داد مردم برای نماز استسقاء (طلب باران) به صحرا بروند، مردم سه روز پی در پی برای طلب باران به صحرا رفتند و دست به دعا برداشتند ولی باران نیامد. روز چهارم «جاثلیق» اسقف بزرگ مسیحیان، همراه نصاری و راهبان به صحرا رفت. یکی از راهبان هر وقت دست خود را به سوی آسمان بلند می‌کرد، باران سیل آسا می‌بارید. روز بعد نیز جاثلیق همان برنامه را ادامه داد و آن قدر باران آمد که دیگر مردم نیاز به باران نداشتند. همین امر موجب تعجب مردم شد و بعضی از مسلمانان در دین خود به شک افتادند و به مسیحیت تمایل پیدا کردند و این امر بر خلیفه ناگوار آمد و ناگزیر به «صالح بن یوسف» دستور داد «ابومحمد حسن علیه‌السلام» را از زندان آزاده کرده و پیش من بیاور. «فلما حضر أبو محمد الحسن عند الخلیفه قال له أدرك أمه محمد صلی الله علیه و آله فیما لحقهم [صفحه ۴۷۵] من هذه النازلة العظیم فقال أبو محمد دعهم یخرجون غدا الیوم الثالث فقال له قد استغنی الناس عن المطر و استكفوا فما فائدة خروجهم قال لازیل الشك عن الناس و ما وقعوا فیهِ...» چون ابومحمد حسن نزد خلیفه حاضر شد، خلیفه به او گفت: امت جدت را دریاب که گمراه شدند. حضرت فرمود: از جاثلیق و راهبان بخواه که فردا سه‌شنبه به صحرا بروند. خلیفه گفت: مردم دیگر باران نمی‌خواهند چون باران به قدر کافی آمده است، بنابراین به صحرا رفتن آنان چه فایده‌ای دارد؟ حضرت فرمود: برای این که شک و شبهه را از مردم زائل سازم. خلیفه دستور داد اسقف بزرگ مسیحیان همراه راهبان روز سوم به صحرا رفتند و «ابومحمد حسن» نیز در میان جمعیت انبوهی به صحرا آمد آنگاه مسیحیان و راهبان برای طلب باران دست به سوی آسمان برداشتند. آسمان ابری شد و باران شروع به باریدن کرد. امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود: دست آن راهب را بگیرند و آنچه در میان انگشتان او است، بیرون آوردند. در میان انگشتان او استخوان آدمی بود حضرت آن استخوان را گرفت و در پارچه‌ای پیچید و به مسیحیان فرمود: حالا طلب باران کنید همین که دستها به آسمان بلند کردند، ابرها کنار رفت و آفتاب نمایان شد، مردم تعجب کردند. خلیفه از امام پرسید: این استخوان چیست؟ فرمود: این استخوان پیامبری از پیامبران خداست که اینها آن را از قبور پیامبران برداشته‌اند و استخوان هیچ پیامبری ظاهر نمی‌گردد مگر آن که باران نازل می‌شود. خلیفه امام را تحسین کرد و استخوان را امتحان کردند دیدند همان طور است که امام می‌فرماید. «فرجع أبو محمد

الحسن إلى داره بسر من رأى وقد أزال عن الناس هذه الشبهة و سر الخليفة و المسلمون بذلك و كلم أبو محمد الحسن الخليفة في إخراج أصحابه الذين كانوا معه في السجن فأخرجهم و أطلقهم من أجله و أقام أبو محمد بمنزله معظما مكرما و صلوات الخليفة و انعاماته تصل اليه في كل وقت نقله غير واحد» [۹]. [صفحه ۴۷۶] «این جریان باعث شد که امام از زندان آزاد شود و راهی منزل خود در سر من رأى گردد و شك و شبهه‌های که برای مردم حاصل شده بود، بر طرف کرد و خلیفه و مسلمانان خوشحال شدند و در این هنگام امام فرصت را غنیمت شمرد و آزادی یاران خود را که با آن حضرت در زندان بودند، از خلیفه خواست و خلیفه خواسته او را اجابت کرد. این بود ابو محمد محترمانه در منزل خود اقامت گزید و صله و جوائز خلیفه در هر وقت به او می‌رسید. این مطلب را عده‌ی زیادی نقل کرده‌اند».

یوسف بن اسماعیل النبهانی

(م ۱۳۵۰ ه) صاحب کتاب «جامع کرامات الأولیاء» می‌نویسد: «الحسن العسكري أحد أئمة ساداتنا آل البيت العظام و ساداتهم الكرام - رضی الله عنهم أجمعین - و قد رأيت له كرامة بنفسی و هی انی سنة ۱۲۹۶ هجرية سافرت الى بغداد من بلدة كوی سنجق، احدی قواعد بلاد الأكراد و كنت قاضيا فيها...» [۱۰]. «حسن عسکری یکی از ائمه‌ی آل بیت عظام و سادات بزرگوار - رض - می‌باشد. من شخصا از او کرامتی دیده‌ام و آن این که در سال ۱۲۹۶ هجری از شهر (کوی سنجق) - یکی از شهرهای کردنشین عراق - که در آن دوران قاضی آنجا بودم، به بغداد مسافرت کردم و قبل از پایان دوره‌ی خدمتم آن شهر را ترک گفتم به خاطر گرانی و قحطی که آن سال شهرهای عراق را فرا گرفته بود. و با «کلک» (چیزی شبیه قایق و از چوب و تخته درست می‌شود)، مسافرت کردم و چون کلک به کنار شهر سامرا رسید، - آنجا مقر خلفاء عباسی بود - دوست داشتیم که در آنجا قبر امام حسن عسکری علیه‌السلام را زیارت کنیم، کلک آنجا ایستاد و ما به زیارت آن حضرت رفتیم و چون به مقبره آن حضرت داخل شدیم یک حالت روحانی در من پیدا شد که مثل آن هیچ گاه به من دست نداده بود و جز هنگام زیارت رسول خدا حضرت یونس علیه‌السلام در موصل که چنین حالتی به من دست داد و این کرامتی بود از ناحیه‌ی آن حضرت».

پاورقی

- [۱] مطالب السؤل، ص ۸۸ چاپ سنگی.
- [۲] تذكرة الخواص، چاپ سنگی، ص ۲۰۴، چاپ جدید، ج ۳، ص ۳۶۲.
- [۳] الفصول المهمة، ص ۲۸۴.
- [۴] الفصول المهمة، ص ۲۸۸ - نورالابصار، ص ۱۸۴ به استثنای دو بیت آخر.
- [۵] وسیلة الخادم الى المخدوم، ص ۲۷۰ - ۲۶۵.
- [۶] الصواعق المحرقة، ص ۲۰۵.
- [۷] روضات الجنان، روضه‌ی هشتم، ج ۲، ص ۳۸۸ - ۳۸۵.
- [۸] نورالابصار، ص ۱۸۳ - الصواعق المحرقة، ص ۲۰۵.
- [۹] نورالابصار، ص ۱۸۴، ابن الصباغ، الفصول المهمة، ص ۸ - ۲۸۷.
- [۱۰] جامع کرامات الأولیاء، ج ۲، ص ۲۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهانندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

